



## مطالعه تطبیقی عکس و تاریخ مکتوب جنگ تحمیلی عراق بر ایران در فاصله سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۱\*

فرشاد عسگری کیا\*\*، سید سعید سید احمدی زاویه<sup>۱</sup>، محمد خدادادی مترجم‌زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استادیار، دانشکده هنر، گروه سینما، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

<sup>۲</sup>دانشیار، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

<sup>۳</sup>دانشیار، دانشکده هنرهای تجسمی، گروه عکاسی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۲/۱۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۶/۵)

### چکیده

این مقاله در پی بررسی مضامین و مفاهیم موجود در عکاسی جنگ تحمیلی و مقایسه آن با تاریخ مکتوب است. رویکرد نظری بینشی در این مطالعه بر مبنای دیدگاه تاریخ تحلیلی کالینگوود شکل گرفته و روش تحلیل محتوای تجمیعی در حکم رویکرد نظری روشی مقاله به کاررفته است. بازه زمانی موضوع مقاله از آغاز جنگ تا فتح خرمشهر یعنی حدود ۲۲ ماه است و ۶۶۷ عکس مورد مطالعه از مجموعه مجلدات «جنگ تحمیلی» انتخاب شده است. در بخش تاریخ مکتوب نیز مجموعه مجلدات «تقویم تاریخ دفاع مقدس» نیروی زمینی ارتش در قالب ۱۷۰۳۹ صفحه، مرجع بررسی قرار گرفته است. پس از شناسایی و استخراج مقولات تصویری و متنی، تاریخ مصور و تاریخ مکتوب جنگ با هم مقایسه شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که هم عکس‌ها حاوی برخی مفاهیم و پیام‌های مستقل از متن مکتوب هستند و هم برخی اطلاعاتی که متن مکتوب ارائه می‌دهد در عکس‌ها نه وجود دارد و نه قابل ارائه در قالب تصویر است. به‌طور کلی عکس‌های جنگ تحمیلی عمدتاً قلمرو مفاهیم متعین و آشکارسازی احساسات و درونیات هستند و متن مکتوب در بیشتر موارد از قابلیت پردازش اطلاعات تاریخی و طرح مفاهیم نامتعین بهره می‌برد.

### واژگان کلیدی

عکاسی، تاریخ، جنگ تحمیلی، کالینگوود.

\*مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «مطالعه تطبیقی عکس و تاریخ مکتوب جنگ تحمیلی عراق بر ایران در فاصله سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۱» که با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه هنر ارائه شده است.

\*\*نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۶۴۹۰۷۰۵، Email: asgarikia@soore.ac.ir



## مقدمه

و از شیفتگی به واژگان و متن نوشتاری برمی‌آید فاصله گرفته و به تصویرمحموری و متن مصور توجه بیشتری معطوف شود. برای این منظور ضمن به کارگیری حساسیت و تجربه جدید در مشاهده روشنند عکس‌ها، لازم است جزییات محتوایی آنها توصیف و تحلیل شود و مضامین موجود در عکس‌های جنگ در شکل‌دهی به تصور مخاطب از جنگ آشکار گردد. دلیل انتخاب بازه زمانی ۶۱-۱۳۵۹، برای ابتدای دوره روشن است و به تاریخ آغاز جنگ اشاره دارد. با شروع جنگ، عکاسان متعدد با انگیزه‌ها و پشتیبانی‌ها و سطوح متنوع دانش فنی و بصری عکاسی به سرعت وارد عمل شدند و در مدت زمانی اندک هر آنکس که امروز به عنوان عکاس جنگ شناخته می‌شود، در عرصه حضور یافت. درگیری حرفه‌ای، روحی و عاطفی عکاسان با رویدادی که بر تمام شئون زندگی مردم تأثیر گذاشت، پس از گذشت دو سال از شروع جنگ به یک نقطه اوج مهم تاریخی می‌رسد و آن فتح خرمشهر است.

تا این تاریخ که سوم خرداد ۱۳۶۱ است بهترین آثار عکاسان در اوج تعامل روحی و حرفه‌ای با رویداد تاریخی شکل می‌گیرد. پس از آن همانگونه که رویداد تاریخی وارد یک دوره طولانی فرسایشی می‌شود، عکاسی جنگ نیز از یک فعالیت آرمانی و انگیزشی، به یک وظیفه تکراری تغییر ماهیت می‌دهد و در واقع نه عکاس مهمی ظهور می‌کند و نه جریان مهمی در عکاسی جنگ شکل می‌گیرد.

### ۱.۲. اهداف پژوهش

- استخراج مضامین، معانی و مفاهیم موجود در عکس‌ها و متن مکتوب روزشمار مربوط به تاریخ جنگ تحمیلی عراق بر ایران؛  
- مقایسه روایت عکسی و مکتوب جنگ تحمیلی عراق بر ایران از حیث طرح مضامین و معانی مشترک و متفاوت.

### ۲.۲. پرسش اصلی

- آثار عکاسان بازه‌ی مورد مطالعه به لحاظ محتوایی، بیانگر و یا معرف کدامین خصلت‌ها و یا پیام‌های تاریخی مستقل از متن نوشتاری هستند؟

### ۳.۲. پرسش‌های فرعی

- مجموع عکس‌های موجود در بازه زمانی مورد پژوهش تا چه حد معرف و بیانگر جزییات و اطلاعات درباره رویدادها هستند؟  
- تاریخ جنگ تحمیلی ایران و عراق تا چه حد متکی به اسناد تصویری یا همان عکس‌های به‌جای‌مانده از رویدادها است؟

### ۳. مبانی نظری

تمرکز این پژوهش در تحلیل عکس‌های جنگ و دستیابی به مضامین نهفته در محتوای این آثار، به منزله یک واکاوی علمی از

این مقاله با هدف پژوهش در عکاسی جنگ تحمیلی عراق بر ایران به رشته تحریر در آمده است. موضوع مقاله مقایسه محتوای عکس‌های جنگ تحمیلی با تاریخ مکتوب آن است. به منظور تحقق‌پذیری، بازه زمانی پژوهش به فاصله بین آغاز جنگ یعنی شهریور ۱۳۵۹ تا فتح خرمشهر یعنی خرداد ۱۳۶۱ محدود شده است. در حوزه عکس‌ها، سری مجلدات «جنگ تحمیلی» مرجع مراجعه بوده است و در بخش تاریخ مکتوب، تقویم تاریخ دفاع مقدس مدون شده توسط نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران. رویکرد نظری این پژوهش بر مبنای آراء کالینگوود در تاریخ تحلیلی و روش‌شناسی پژوهش براساس تحلیل محتوای تجمیعی شکل گرفته است. پس از استخراج داده‌های عکسی و متنی، این داده‌ها در بخش نتیجه‌گیری مقاله مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته‌اند.

### ۲. بیان مسأله

آثار عکاسی جنگ تحمیلی ایران و عراق در طول یک دوره سی ساله از ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۹ در قالب ۸۰ عنوان کتاب در ایران به چاپ رسیده است و از بررسی عناوین این کتاب‌ها به نظر می‌رسد که تمامی آنها شامل مجموعه آثاری است که براساس یک دوره یا آثار یک عکاس و یا یک موضوع شکل گرفته‌اند. شکلگیری این کتب نتیجه‌ی کوشش‌هایی است که همواره معطوف به مجموعه‌سازی‌های چشمگیر با رویکرد موضوع-محوری بوده است. اگر چه تدوین این مجموعه‌ها و در رأس آنها سری کتاب‌های جنگ تحمیلی (The Imposed War) متکی به تلاش و همت متخصصان و صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران متعددی بوده است، اما به نظر می‌رسد منبعی که براساس یک دیدگاه نظری و با رویکردی پژوهشی به بررسی این آثار بپردازد و آن‌چه را که در عنوان ادعا می‌کند، در متن نیز محقق ساخته باشد- به استثنای تعدادی پایان‌نامه با موضوع عکاسی جنگ- تقریباً وجود ندارد. آن‌چه در این بین به آن پرداخته نشده و با رعایت احتیاط، کم‌تر مورد توجه واقع شده است تحلیل، ارزیابی و بازنگری آثار عکاسان جنگ به منزله اسناد تصویری از رویداد تاریخی و تبیین روایت تصویری این رویداد است. مقایسه محتوای عکس‌های جنگ تحمیلی ایران و عراق در فاصله‌ی سال‌های ۶۱-۱۳۵۹ به مثابه اسناد تصویری، با اسناد مکتوب از همان رویدادها که در قالب تقویم تاریخ دفاع مقدس منتشر شده است، هدف اصلی این پژوهش است. این مقایسه در صورت تحقق هدف خود، آشکار خواهد کرد که محتوای عکس‌ها و اسناد مکتوب جنگ چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با هم دارد. در این نوع رویکرد به آثار عکاسی لازم است شناخت از تاریخ دوباره‌سازی شود و از آن‌چه بیش از حد زبان‌محور و مسلط است



مورخ تاریخ فکر به هنگام خواندن آثار سیاستمداران و فلاسفه باید بکوشد تا دریابد مؤلفان هنگامی که آثار خود را به نگارش در می‌آورند، چه اندیشه‌ای در سر داشتند و به چه می‌اندیشیدند. به نظر می‌رسد همین روش کالینگوود بوده است که بعدها در آراء نظریه‌پردازان هرمنوتیک نظیر گادامر (Hans-Georg Gadamer) تحت عنوان هم‌افق شدن مفسر و متن توضیح داده شده است. گادامر فهم را واقع‌های می‌داند که در اثر امتزاج افق مفسر و افق متن پدید می‌آید. در نگاه گادامر، فهم پیوندی بنیادین با مفهوم افق دارد و در واقع افق در فراشد فهم، نقطه کانونی است. به عبارت دیگر مفسر همان مورخ تحلیلگر است (اسمالوود، ۱۳۸۳).

یکی از عبارات کلیدی کالینگوود در نظریه تاریخ تحلیلی‌اش، تأکید بر مفهوم «کنشگری دوباره» (re-enactment) است که مورد انتقادهای فراوانی قرار گرفته است (White, 1989: 166-168). والش معتقد است «نگاه کالینگوود به تاریخ نگاه خردورزانه محدود و تنگی است» (Walsh, 1964: 44-48). آرنولد توینبی (Arnold Joseph Toynbee) نیز کالینگوود را به «کنار گذاشتن مطلق عواطف» متهم می‌کند و لویس مینک (Louis Mink) «فردگرایی معرفت‌شناختی» کالینگوود را زیر سؤال برده و می‌گوید که در این فردگرایی، فقط و فقط انبوهی از زندگینامه‌ها باقی می‌ماند. از سوی دیگر پاتریک گاردینر عقیده دارد «کنشگری دوباره مورد نظر کالینگوود «قدرت اضافه‌دانستن» است که به مورخان اجازه می‌دهد در بطن مطالعات خود غور کنند و داده‌های مورد نیاز خود را با اشعه ایکس واکاوی نمایند» (Gardiner, 1952: 28-3) از نظر کالینگوود کلید کسب دانش نسبت به «کنش‌های پیشین» «کنش‌گری دوباره» است.

نقطه محوری دیدگاه «کنش‌گری دوباره» کالینگوود آن است که زبان ذاتاً عمومی و مشترک است. مفاهیم و قواعد مشترک، سوژه مشترکی را فراهم می‌کنند که مخاطب تاریخ به آن سوژه واکنش نشان دهد و کنش‌های اشخاص دیگر را بر آن مبنا ارزیابی کند. «در کنش‌گری دوباره مورخ همان چیزی را می‌اندیشد که خود عامل تاریخی می‌اندیشد. بهترین کاری که مورخ می‌تواند انجام دهد عمل کردن دوباره به نسخه‌ای از اندیشه عامل تاریخی است» (Warrington, 2014: 34-40).

علاوه بر محدودیت‌های ناشی از دانش محصور در زمان و مکان هر مورخ، باید اذعان داشت که در تاریخ همچون همه امور جدی هیچ دساتوردی نهایی نیست. شاید بتوان گفت تاریخ یک معرفت و دانش همواره در حال تحول است و دگرگونی دائمی، ذاتی آن است. «هر نسل جدید باید تاریخ را به طریقه خودش باز بنویسد، هر مورخی که از دادن پاسخ‌های جدید به پرسش‌های قدیم خشنود نباشد، باید در خود پرسش‌ها تجدید نظر کند. تاریخ رودخانه‌ای

یک سو متکی به آرای رایین جرج کالینگوود در حوزه تاریخ‌نگاری و تاریخ تحلیلی است. هدف تاریخ تحلیلی، دستیابی به افکار کنش‌گران عرصه تاریخ است؛ تأملی که هدف از آن نه تنها بازسازی یک واقعه، بلکه رسیدن به فکر نهفته در پس آن است. تحقق این امر، تنها «با بازاندیشی این فکر در ذهن خود مورخ امکان‌پذیر خواهد بود.» (الیاسی، ۱۳۸۸: ۴). برای مورخ حالات و احساسات افراد اثرگذار در تاریخ اهمیت ندارد بلکه اندیشه‌هایی که منتهی به اعمال شده‌اند دارای اهمیت است. «آنچه که مورخان درباره انسان‌های مورد مطالعه شان دقیقاً با آن سروکار دارند، حالات آنها نیست بلکه افعال آنهاست» (Collingwood, 1946: 9).

موضوع علم تاریخ افعال انسان‌هاست که در گذشته واقع شده است اما هرچند تاریخ با افعال انسان‌ها سروکار دارد، فی‌نفسه همه اعمال را شامل نمی‌شود. «عملی انسانی دقیقاً موضوع پژوهش فرامی‌گیرد که معنا و اهمیت اجتماعی داشته باشد» (Mandel-baum, 1938: 914). کالینگوود فقط یک راه را ممکن می‌داند که با توسل به آن می‌توان به کشف افکار گذشته دست یافت و آن اینست که مورخ افکار را در ذهن خود بازاندیشی کند. امکان تحقق مفهوم بازآفرینی در نظریه او از این راه میسر می‌شود. مورخ فلسفه به هنگام خواندن آثار افلاطون می‌کوشد تا دریابد که افلاطون وقتی که با واژه‌های خاصی مقصود خود را ادا می‌کرد، چه می‌اندیشید. یگانه راهی که با توسل به آن می‌توان این کار را کرد این است که اندیشه افلاطون را برای خود از نو ببیند. در واقع وقتی که کسی از فهم واژه‌ها سخن می‌گوید مرادش همین است. بدین ترتیب «تاریخ، افکار و بنابراین کل تاریخ بازاندیشی افکار گذشته است که در ذهن خود مورخ صورت می‌گیرد» (Collingwood, 1946: 216).

کالینگوود معتقد است: «رویدادهای طبیعی را تنها از بیرون به عنوان اموری که ما صرفاً ناظر آن هستیم می‌توان تبیین کرد و این با آن نوع شیوه‌هایی که در نظریه اثبات‌گرایی بیان می‌شود، تناسب دارد. اما افعال انسانی رویدادهای صرف نیستند. آنها جنبه درونی یا جنبه ذهنی دارند. برای فهم آنها لازم است آن افکاری را که فاعلان در انجام آنها ابراز داشته‌اند تشخیص بدهیم و این چیزی جدا از آن رخداد نیست، بلکه خود رخداد است» (صالحی، ۱۳۸۰: ۸). شاید مفهومی که کالینگوود از به کارگیری واژه «تبیین» به معنای درست کلمه انتظار دارد در این تعریف آیزایا برلین (۱۳۶۸: ۱۵۱) روشن و آشکار شود: «تبیین عبارتست از کشف باطن یا پدیدار ساختن صورتی که در زیر است، وظیفه تبیین در علم یا در تاریخ کوششی است در این راه که آشفتگی‌های ظاهری به عنوان انعکاسی ناتمام و ناقص از نظم کامل تمام عیار باطن تلقی شود تا بتوان هر چیز را در موضع خاص خود مشاهده کرد.»



دست به قلم ببرد و تاریخ بسازد. این تاریخ همچون بنایی پوشالی بدون اسکلت و پایه خواهد بود که تندباد واقعیات و گذر زمان آنرا در هم خواهد شکست. «اگر واقعه‌ای در زمانی روی داده است که اکنون اندک ارتباطی با شواهدی که باقی مانده ندارد، آن واقعه بخشی از دنیای مورخ محسوب نمی‌شود، وظیفه هیچ مورخی نیست که آن را کشف کند. ندانستن آن خلأیی در دانش هیچ مورخی محسوب نمی‌شود. اگر او، هر عقیده‌ای درباره آن داشته باشد، همه الهامات ماوراءالطبیعه، خیال بافی‌های شاعرانه و حدس‌های بی‌پایه و اساس خواهند بود؛ این عقاید هیچ بخشی از دانش تاریخی وی را شکل نخواهد داد» (Callingwood, 1928: 215-222). در واقع کالینگوود در اینجا بر ذهن مورخ محدودیت‌هایی را قائل می‌شود تا راه بر منتقدانی ببندد که شیوه کار مورخ مورد نظر او را زیر سوال می‌برند و به این ترتیب، مورخ خود را از اتهام به خیال‌پردازی میرا می‌کند. از نظر او اظهار نظر مورخ باید مستند به شواهد باشد و اگر در مورد رویداد گذشته شواهدی کافی و اقناع‌کننده برای اظهار نظر وجود نداشته باشد باید مورخ از گزارش درباره آن صرف نظر کند.

جمع‌بندی کلی حاصل از این بخش مقاله نشان می‌دهد که نظریه تاریخ تحلیلی کالینگوود به منظور تدوین تاریخ، همچنان معاصریت دارد و دارای ارکان و مؤلفه‌های روشن و قابل فهمی است که امکان به کارگیری آن در تدوین تاریخ تحلیلی و نقد هر نوع تاریخ دیگر فراهم است. به علاوه در ارزیابی تمام ویژگی‌ها و جزئیات این نظریه، نقاط ضعف و کور آن ناچیزند اما از نقاط قوت کافی برخوردار است که البته در پرتو «کنش‌گری دوباره»، تمسک به تخیل سازنده، پرهیز از پیش‌داوری، رعایت اصل بی‌طرفی و تلاش و مجاهدت مورخ تحلیلی‌گر، محقق می‌شود.

#### ۴. روش تحقیق، شیوه‌های مورد استفاده و جامعه آماری

رویکرد این پژوهش، کیفی و به لحاظ روش متکی به روش توصیفی-تاریخی و تا حدی تحلیلی-تبیینی است که برای نیل به اهداف و یافتن پاسخ سوال‌های پژوهش از روش تحلیل محتوای تجمیعی با رویکرد توصیفی-تحلیلی بهره می‌برد.

#### ۴.۱. روش تحلیل محتوای تجمیعی

در اجرای هدف پژوهش، روش تحلیل محتوا به دلیل کارایی و قابلیت توأمان در استخراج مضامین عکس و متن مورد کاربرد قرار گرفته است. یکی از روش‌های استخراج مضامین و معانی نهفته در متون و عکس‌ها به منزله اسناد تاریخی، روش تحلیل محتواست. این روش که از رویکردهای کمی و کیفی برخوردار است هرگاه بسوی کمی‌گرایی گرایش داشته مورد نقد اصحاب تعقق و تفسیر قرار گرفته است و هرگاه بسوی کیفی‌گرایی متمایل شده است، انتقادات تجربه‌گرایان (Empiricists) را به خود معطوف داشته است.

است که هیچ کس نمی‌تواند دوبار در آن گام نهد» (کالینگوود، ۱۳۸۵: ۳۱۳). کالینگوود در اشاره به مفهوم تخیل، هدف آن را بازسازی گذشته در ذهن مورخ تحلیلی‌گر می‌داند. «تخیل (Imagination) آن قوه کور ولی ناگزیر، که بدون آن، چنانکه کانت (Immanuel Kant) نشان داده است نمی‌توانیم جهان پیرامونمان را درک کنیم، برای تاریخ هم به همان طریق ضروری است؛ این است که [تخیل] با عمل پیشینی خویش و نه به شکل هوسبازانه مثل وهم (Illusion)، تمام کار بنای تاریخی را انجام می‌دهد» (کالینگوود، ۱۳۸۵: ۳۰۵-۳۰۶). این تخیل زاینده که با وهم تفاوت بنیادی دارد به منزله جریانی از تفکر است؛ «اندیشه‌ای [است] که بخشی از دارایی ذهنی هر کسی است و خود در حدی که وقوف می‌یابد داشتن ذهن چیست، کشف می‌کند که صاحب آن است... اندیشه تخیل تاریخی، صورت قائم به ذات، خودمختار و موجه است» (کالینگوود، ۱۳۸۵: ۳۱۴). اندیشه تخیل تاریخی، به اتکای تمامی شواهد و قرائن موجود و از طریق همسویی با اندیشه تاریخ‌سازان پیشین، گذشته را می‌سازد و در حال زنده می‌کند.

اگر مورخ برای خویش شأن زایش‌گری ذهنی قائل باشد؛ پرسشگر باشد؛ تناقضات را نپذیرد؛ مستقل و صاحب رای و اندیشه باشد؛ چنین مورخی اقتدار می‌یابد. این مورخی است که مطلوب نظر کالینگوود است. «مورخ [مقتدر] در جریان تألیف اثر تاریخی، خود به انتخاب، ساخت و انتقاد دست می‌زند... او به صراحت می‌داند که می‌تواند باعث و بانی نوعی انقلاب کانتی<sup>۲</sup> در حوزه تاریخ شود. او می‌تواند این انقلاب را با کشفیاتش انجام دهد... مورخ معیاری در اختیار دارد که اقتدار خود و شواهد خود را باید با آن بسنجد و با ارجاع به همین معیار از سوی دیگران نقد شود» (Callingwood, 1946: 236) اما معیار چیست؟ چگونه و با کدام میزان می‌توان بین روایات مختلف و در بسیاری مواقع متضاد به داوری پرداخت؟ از کجا می‌توان اطمینان حاصل کرد که تاریخ مورخ الف حاصل جیره‌خواری قدرت نبوده است و روایت مورخ ب مستقل و به دور از خواست اربابان اقتدار نگاشته شده است. پاسخ کالینگوود به این پرسش چالش برانگیز و مهم، ساده است: «معیار مورخ همان دقت و تأمل ذهنی اوست» (همان جا). توضیح کالینگوود می‌تواند توقع پرسشگرانه منتقدانش را درباره این معیار مبهم و غیرقابل سنجش برطرف سازد: «مورخ صرفاً ناظر و توصیف‌گر آن چه می‌بیند، نیست. مورخ دست به «خوانش» مشاهده‌های خویش می‌زند» (Callingwood, 1938: 11) اشاره به مفهوم خوانش مجدداً شأن تحلیلی‌گری مورخ را بیش از پیش مطرح می‌کند.

از نظر کالینگوود تاریخ باید به اتکا و اعتبار شواهد نگاشته شود. بدون شواهد و اسناد کافی، مورخ مجاز نیست براساس فرضیات و حدسیاتی که واقعیات و اسناد تاریخی آنها را پشتیبانی نمی‌کنند



این کمیت‌سازی نه تنها تلاشی برای فهم معنای کلمات است، بیشتر از آن، کشف کاربرد این کلمات در متن است. تحلیل کردن برای نمود یک کلمه یا مضمون ویژه در متن، نشانی از تحلیل محتوای واضح و مشخص است.

نکته مهم در روش تجمیعی از همین جا آغاز می‌شود. اگر تحلیل در همین حد باز ایستد، تحلیلی کمی به‌شمار می‌آید که تمرکز آن روی شمار فراوانی مضمون یا واژگان ویژه است. تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی می‌تواند به آن سوی شمارش که همان تحلیل محتوای پنهان و نهفته موجود در کلمات است، نیز برود. تحلیل محتوای پنهان به فرایند تفسیر محتوا مربوط می‌شود. در این نوع تحلیل، تمرکز روی کشف معانی اصولی واژه یا مضامین آن است و پژوهشگران از این نوع تحلیل محتوا در مطالعات تحلیلی انواع مقالات موجود در مجلات علمی و همچنین کتاب‌های مرجع استفاده می‌کنند.

این حالت به محقق اجازه می‌دهد تا به تفسیر مضامین مربوط به هم بپردازد. محققان می‌کوشند بر این اساس، کاربرد معنایی را که یک کلمه یا یک مقوله تصویری می‌تواند داشته باشد، کشف کنند. تحلیل محتوا با رویکرد تجمیعی، دارای مزیت‌هایی است. برای مثال، این نوع از تحلیل محتوا به علت تأکید بر کلمات و مقولات تصویری ویژه و مورد نظر محقق، روشی منفعل و بی‌دردسر برای مطالعه و بررسی پدیده‌های مورد علاقه محقق است و البته از سوی دیگر می‌تواند بینشی بنیادین از این موضوع که چگونه افراد کلمات را در متن به کار می‌برند یا مضامین خاصی را در عکس‌هایشان نشان می‌دهند، ارائه کند؛ هرچند یافته‌های حاصل از این رویکرد به علت عدم توجه به گستردگی معانی موجود در هر واحد متن یا عکس، می‌تواند محدودیت‌هایی برای تحقیق ایجاد کند؛ محدودیتی که در عدم دستیابی به حقیقت غایی برای هر نوع پژوهشی با هر جهانبینی، شناخت‌شناسی و روشی وجود دارد. روش تحلیل محتوای تجمیعی که زیرگونه‌ای از روش تحلیل محتواست، به منزله روشی بهینه در تحلیل محتوا معرفی می‌شود که از سویی مزایای روش‌های کمی و کیفی را و از سوی دیگر امکان کاربرد در تحلیل متن مکتوب و عکس را، توأمان دارد و پژوهشگر با اتکال به آن و تدقیق در اجرای مراحل این روش می‌تواند از کاستی‌های رویکردهای صرفاً کمی یا کیفی اجتناب کند. این روش تاملین‌کننده اهدافی است که این مقاله در تحلیل محتوای عکس و متن دنبال می‌کند. اگر روش ایده آل نباشد اما روشی بهینه و قابل قبول به نظر می‌رسد تا براساس امکانات، پژوهشگر از عهده انجام وظیفه و هدف پژوهش که همانا مقایسه مضامین و معانی نهفته در متن تاریخ مکتوب جنگ با عکس‌های جنگ است برآید.

«تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی است برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آنها» (کریپندورف، ۱۳۹۴: ۲۵). در همین جا توجه به چند نکته اهمیت بسیار دارد. نخست آنکه پیام‌ها معنای واحدی ندارند که با یک کشف یک‌باره آشکار شوند و برای همیشه و همگان ثابت باشد. همواره می‌توان داده‌ها را خاصه در جایی که ماهیتاً نمادین هستند، از دیدگاه‌های مختلفی نگریست. در هر پیام مکتوب واحدی می‌توان به شمارش حروف، کلمات یا جملات پرداخت. می‌توان به طبقه‌بندی و مقوله‌بندی عبارت‌ها و توصیف ساختار منطقی آنها و تعیین پیوستگی‌ها، معنای ضمنی، معنای صریح و... پرداخت یا می‌توان تفسیرهای روانشناسی، جامعه‌شناسی یا سیاسی ارائه کرد. همه اینها می‌تواند همزمان معتبر باشد. خلاصه ممکن است یک پیام حتی برای یک مخاطب در برگرفته چند محتوا باشد. در چنین شرایطی ادعای تحلیل کامل یک پیام، دال بر موضعی نامعقول است. دوم آنکه معنا لزوماً برای همگان یکسان نیست؛ گو اینکه اجماع یا اشتراک ذهنی در مورد معنای پیام، تحلیل محتوا را فوق‌العاده ساده می‌سازد. چنین اجماعی فقط در مورد واضح‌ترین یا آشکارترین وجه پیام یا برای محدودی از مردم که از دیدگاه فرهنگی و سیاست اجتماعی یکسانی برخوردارند، پیش می‌آید، آن هم مردمی که سطح دانش و شناخت آنها از امور عوامانه و سطحی باشد. عموماً در تحلیل محتوا هیچ یک از این دو مطرح نظر نیست. بنابراین معنای عام نمی‌تواند پیشفرض تحلیل محتوا باشد. بنابراین معنای همواره برای ارتباط‌گیرندگان نسبی‌اند. «مهم‌ترین دل‌مشغولی‌ها درباره معنای داده‌ها در سطوح بالاتر انتزاع نظیر اسناد مکتوب، فیلم، مکالمات شفاهی، عکاسی و نقاشی پیش می‌آید. محقق ارتباطات، معنای پیام را نسبت به مقاصد فرستنده، شناخت‌گیرنده یا آثار رفتاری، نهادهایی که انتقال پیام در آن صورت گیرد یا فرهنگی که نقشی در آن ایفا می‌کند، تفسیر می‌کن.» (همان: ۲۹-۲۷). تاریخدان‌ها نیز فقط به گردآوری اسناد نمی‌پردازند. دل‌بستگی آنها به بازسازی نمادین رویدادهای گذشته است که ممکن است اسناد موجود رهگشای آن باشد.

براساس یافته‌های روش‌شناختی در مورد تحلیل محتوا، به نظر می‌رسد که از روشی بینابینی که تأمین‌کننده ارزش‌های کمی و کیفی به‌طور توأمان باشد، باید استفاده کرد. در بین طیف متنوع گرایش‌های کمی و کیفی در تحلیل محتوا، روش «تحلیل محتوای تجمیعی»<sup>۲</sup> (Summative Content Analysis) به‌منظور تحلیل تصویر و متن‌های مرتبط باهمراه تصویر از ویژگی‌های مناسبی برخوردار است. مطالعه‌ای که از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تجمیعی استفاده می‌کند با شناسایی و کمی کردن کلمات یا مضامین ویژه موجود در متن مکتوب یا تصویر، با هدف فهم چگونگی کاربرد این کلمات یا محتوای آنها در متن آغاز می‌شود.



و دشواری روبروست. برای این منظور ابتدا عکس‌های شناسایی شده از منابع بارها و در دفعاتی با فاصله زمانی مرور شدند. ترجیح داده شد که با توجه به تعداد کل عکس‌های جامعه آماری، نمونه‌گیری انجام نشود تا امکان تحقق استقراء تام فراهم شود. اگرچه حجم کار و مدت زمان مصروف آن افزایش می‌یافت، تمامی عکس‌ها را در مقاله حاضر کدگذاری کند. در شناسایی مقوله‌ها دیدگاه کالینگوود در اختصاص جایگاه ویژه به مورخ در مقام تاریخ‌ساز مدد رسان بوده است؛ هم در شناسایی مقولات عکسی و هم متنی که در جای خود مورد بحث قرار خواهد گرفت. تجربه زیسته نگارنده در زمان جنگ، آشنایی نسبی با هنجارها و ارزش‌های فرهنگی جامعه ایرانی در زمان جنگ، تحولات جامعه در طول سال‌های پس از جنگ، معیارها و ایدئولوژی‌های نظام حاکم در کشور و سایر عواملی که در شکل‌گیری «من» نگارنده در طول حدود نیم‌قرن نقش داشته است، در تشخیص مقولات نقش مهمی ایفا کرده است، اما این امکان در حکم نقطه آغازین حرکت در این مسیر محسوب می‌شود. تاریخدان‌ها نیز فقط به گردآوری اسناد نمی‌پردازند. دلبستگی آنها به بازسازی نمادین رویدادهای گذشته موجب توجه به اسنادی می‌شود که ممکن است در بازآفرینی گذشته یا ایجاد شناخت تاریخی موجود رهگشا باشند. قطعاً اگر امکان‌پذیر بود، نگارنده نیز خواهان مصاحبه با صدام، امام خمینی (ره) یا شهید آبناسان می‌بود. اما از آنجا که نام‌ها، کتاب‌ها، مصنوعات و اسناد را کسانی فراهم آورده اند که پرسش‌های تاریخ‌دان‌ها را پیش‌بینی نکرده بودند، لاجرم پاسخ آنها را باید با روش‌های غیرمستقیم به دست آورد. هنگامی که تاریخ‌دان‌ها در پی استنباط رویدادها از روی اسناد برمی‌آیند در واقع طبق تعریف، به تحلیل محتوا

عکس‌های جنگ تحمیلی در آرشیوهای بی‌شمار خصوصی، دولتی و نظامی نگهداری می‌شود. از آنجا که امکان بهره‌برداری از هر یک از این آرشیوها با مشکلات ریزودرشتی همراه است که در موارد متعدد امر پژوهش را غیرممکن می‌کند، ادعای بررسی تمامی عکس‌های جنگ تحمیلی در یک پژوهش فرضی گزافه‌گویی خواهد بود. بر فرض محال که چنین امکانی فراهم شود و تمام نهادها و افراد حاضر به همکاری در این زمینه باشند، امکانات اجرایی یک پژوهش علمی از عهده جمع‌آوری و بررسی تمام عکس‌ها حتی با بهره‌برداری از روش‌های نمونه‌گیری رایج مقدور نخواهد بود. بنابراین هدف این مقاله اساساً جستجو و دستیابی پر مرارت به آرشیوهای مهجور یا کم‌ترمجاز یا حتی بدون مجوز نبوده است تا از این راه ارزش آفرینی کند. هدف این مقاله مقایسه روایت عکسی و کلامی از تاریخ جنگ تحمیلی عراق بر ایران با رویکرد نقد تاریخ‌نگاری رسمی متن و عکس بوده است و انتشارات مراجع رسمی برای این منظور کافی به نظر رسیده است. اگرچه بررسی منابع عکسی و کلامی بیشتر حتماً می‌تواند نتایج بیشتری به ارمغان آورد اما در این پژوهش به نظر نگارنده منابع رسمی توانسته‌اند وجاهت قابل قبول علمی را فراهم کنند.

منبع رسمی به منظور بررسی عکس‌های جنگ تحمیلی عراق بر ایران مجموعه مجلدات «جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز» در نظر گرفته شده است (جدول ۱). شش جلد اول این مجموعه در همان سال‌های جنگ تا پیش از ۱۳۶۵ منتشر شده است و توالی شماره جلد‌ها براساس وقایع‌نگاری و رخدادها و گذر زمان شکل گرفته است. براساس بازه زمانی مورد بررسی در این پژوهش، تمامی عکس‌های جلد اول، دوم و بخشی از جلد سوم در جامعه آماری عکس‌ها قرار می‌گیرند. از جلد هفتم، مجلدات جنگ تحمیلی با محوریت موضوعی به زیور طبع آراسته شدند. جلد هفتم مجموعه «جنگ تحمیلی»، با عنوان «زن در دفاع مقدس» در سال ۸۶ منتشر شد. جلد هشتم این مجموعه کتاب «خرمشهر» است که تصاویری با موضوع خرمشهر را شامل می‌شود. جلد نهم مجموعه با عنوان «شهدا» منتشر شده است. جلد‌های دهم، یازدهم و دوازدهم با رویکرد موضوعی و این بار با محور جنگ در استان‌های کشور منتشر شده‌اند و به ترتیب به استان‌های اصفهان، همدان و کرمانشاه اختصاص یافته‌اند. در شش جلد اخیر با بررسی دقیق هر عکسی که مربوط به بازه زمانی پژوهش می‌شده است، آن عکس انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است. به این ترتیب تعداد عکس‌های مرتبط به مقاله حاضر از هر کتاب به تفکیک و جمعاً در جدول ۱ زیر ارایه شده است.

#### ۳.۴. شناسایی مقولات تصویری

گام مهم بعدی شناسایی مقولات یا همان کده است که با پیچیدگی

جدول ۱. شمارگان عکس‌ها به تفکیک جلد‌ها.

منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۱-۱۲، ۱۳۶۱-بی‌تا)

ردیف	شماره و عنوان جلد	شمارگان عکس
۱	جلد ۱ - جنگ تحمیلی	۱۷۳
۲	جلد ۲ - جنگ تحمیلی	۸۷
۳	جلد ۳ - جنگ تحمیلی	۲۲
۴	جلد ۷ - زن در دفاع مقدس	۱۴
۵	جلد ۸ - خرمشهر	۲۰۷
۶	جلد ۹ - شهدا	۴۲
۷	جلد ۱۰ - اصفهان	۳۳
۸	جلد ۱۱ - حماسه الوند	۳۱
۹	جلد ۱۲ - دلاوران	۵۸
	جمع شمارگان عکس های ۹ جلد	۶۶۷



در آن معنا ساخته می‌شود، زیرا ایجاد چنین ارتباطی مستلزم درک نظری و تجربی تصاویر تحت بررسی است. بنابراین ارتباط میان متن، بافت (زمینه) و کد نیازمند تفکری سنجیده است و براساس یکپارچگی این ارتباط است که کدها می‌توانند معتبر ارزیابی شوند. و این همان رویکرد و روشی است که تحت عنوان «تحلیل محتوای تجمیعی» مورد تشریح قرار گرفت. نتیجه استخراج اطلاعات از هر ۶۶۷ عکس در جدول اولی اتفاق افتاد که نمونه فشرده‌سازی شده آن جدول - جدول‌های ۲، ۳ و ۴ - به همراه عکس‌های مورد اشاره در جدول - عکس‌های (۱) V۱، (۲) V۱، (۳) V۱، (۵۶) V۱۲، (۵۷) V۱۲ و (۵۸) V۱۲ - ادامه و آمار نهایی مستخرج از جدول، در نمودار ۱ مشهود است.

#### ۲.۴. جامعه آماری متن مکتوب روزشمار

در بررسی‌هایی که به منظور شناسایی منابع مکتوب تاریخ جنگ تحمیلی عراق بر ایران صورت گرفت، مشخص شد که نهادها و سازمان‌های مختلفی در ایران به این مهم پرداخته‌اند و حتی موضوع انتشار کتاب یا کتاب‌هایی در مورد تاریخ جنگ تحمیلی مورد توجه ناشران خصوصی نیز قرار گرفته است. در برخی از این کتاب‌ها سوگیری‌های آشکاری وجود دارد به نحوی که تاریخ جنگ با دیدگاهی روایت شده است که بتواند مواضع نهاد سرمایه‌گذار را تایید و تحکیم کند که البته هم طبیعی است و هم سرمایه بسیار در چاپ مجلدات پرشمار آنها مصروف شده است. برخی از منابع به‌ویژه آنها که توسط ناشران خصوصی منتشر شده است با شکل و شمابلی مدون شده‌اند که بتوانند توجه مخاطب عام را جلب کنند تا ضمانتی برای فروش فراهم شود. اما مهم‌ترین مسأله این بوده است که بخش عمده منابع مکتوب تاریخ جنگ از فقدان پشتوانه‌های اسنادی و اعتبار درونی و بیرونی رنج می‌برند. در بین منابع موجود، نگارنده با مجموعه‌ای روبه‌رو شد که تحت عنوان تقویم تاریخ دفاع مقدس به صورت روزشمار جنگ از اول شهریور ۵۹ تا اسفند ۶۷ در قالب ۱۰۲ جلد کتاب و بالغ‌بر ۱۰۰ هزار صفحه توسط مرکز پژوهش‌های معاونت عملیات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به رشته تحریر درآمده است.

هر جلد از این مجموعه در بازه زمانی این پژوهش با تعداد تقریبی ۷۷۴ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای به حوادث و رویدادهای یک ماه از جنگ اختصاص دارد. نکته بسیار مهم که موجب شد نگارنده به عنوان منبع رسمی معتبر به سراغ این مجموعه برود، پشتوانه بی‌شمار اسناد و مدارک موجود در بایگانی معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی و ستاد کل ارتش از یک سو و بهره‌گیری از اخبار جنگ در رسانه‌های داخلی و خارجی از سوی دیگر بوده است. دلیل دیگر ساختار یک دست و منظم شرح حوادث جنگ به تفکیک هر روز و در دو گروه اخبار نظامی و سیاسی است که در تدوین کل

می‌پردازند. بنابراین شگفت‌انگیز نیست که تاریخ‌دان‌ها همواره خواهان آن بوده‌اند که اسناد در متن تاریخی مناسب خود قرار گیرند. وقتی این متن مشخص شد شکاف در بین جزئیات مربوط به استنباطی که از روی داده‌ها به عمل می‌آید، پر می‌شود. روش‌های تاریخی به خلق رشته‌ای از روابط که ممکن است نهایتاً پرسش‌های نخستین را پاسخ بدهند کمک می‌کند. فرآیند کاستن از عدم قطعیت در حیطه غیر قابل مشاهده، فرآیندی استنباطی است که در واقع همانی است که تحلیل محتوا دنبال می‌کند. همواره در تمام مراحل شناسایی و طبقه‌بندی مقولات این عبارت سرلوحه رویکرد نگارنده بوده است که: «توصیف محض، تحلیل محتوا به شمار نمی‌آید».

اگرچه هر توصیفی متضمن استنباط ولی استنباطی ابتدایی است، اما قابلیت استنباط از مقولات دلیل وجودی هر تحلیل محتواست. استنباط تمام شناختی را که تحلیلگر درباره نحوه رابطه داده‌ها با متن شان دارد به کار می‌گیرد و این شناخت با توفیق استنباط تحکیم می‌گردد. دشواری مواجهه با مقولات تصویری در عکس‌ها به همین جا ختم نمی‌شود. انگاره‌های بصری دارای نمادهای قابل تحلیل هستند. عکس‌های سربازان مرده می‌تواند ترس از جنگ را برای عده‌ای نمادین کند ولی برای عده‌ای دیگر تداعی‌کننده احساس پیروزی باشد. هر قدر پیچیدگی مفهومی مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها بیشتر باشد، رسیدن به پایایی قابل قبول، مشکل‌تر می‌شود. یا باید وقت و کوشش زیادی برای یک تحلیل پیچیده مصرف کرد یا باید تحقیق را تا حد ممکن محدود کرد. این وضعیت غامض بر دشواری‌های مقوله‌بندی عکس‌ها و طبقه‌بندی آنها می‌افزاید. وجود تعداد زیادی از مفاهیم پیچیده در یک تحلیل محتوا احتمال اشتباه‌گذاری و کم‌شدن پایایی را افزایش می‌دهد.

هر چه محتوا آشکارتر باشد رسیدن به پایایی آسان‌تر است زیرا پژوهشگران مفاهیم موجود در محتوا را به آسانی درک می‌کنند. اما از سوی دیگر درست است که هرچه محتوا آشکارتر باشد رسیدن به پایایی آسان‌تر است ولی آشکارترین محتواها الزاماً همیشه جالب‌ترین‌ها و مهم‌ترین‌ها نیستند. بنابراین مطالعات محتوایی توجه برانگیز است که با محتوای پنهان هم سرو کار داشته باشد. این واقع‌بینی غیرقابل انکار همواره بر جان نگارنده سنگینی کرده است که فرآیند تقلیل‌دادن محتوای غنی موجود در هر عکس به تعدادی کد یا مقوله، تقلیلی است که بسیاری از چیزها در آن از دست می‌رود.

اما نکته امیدبخش که باید به یادداشت و به کار بست این است که تصاویری که باید به بخش‌های تشکیل‌دهنده تقلیل یابند، می‌توانند به گونه‌ای کدگذاری شوند که واجد دلالت تحلیلی باشند. به بیان دقیق‌تر، کدهای مورد استفاده باید مبتنی بر ارتباطی نظریه‌پردازی شده میان تصویر و بافت فرهنگی وسیع‌تری باشند که







۵. تحلیل یافته‌های پژوهش و نتیجه‌گیری

در این مقاله بر پایه هدف مقاله، از مقایسه تطبیقی عکس و تاریخ مکتوب جنگ تحمیلی عراق بر ایران در فاصله سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۱ و در پاسخ به پرسش‌های اصلی و فرعی مقاله مشخص می‌شود که عکس‌ها بیشتر معطوف به نمایش شرایط انسان و حالات و وضعیت‌های روحی افراد درگیر در جنگ هستند و متن مکتوب تمرکز بر روایت رویدادها دارد (عکس‌های ۵-۱ و ۵-۲).

برای «تبیین» تاریخ جنگ، عکس‌ها می‌توانند به آشکارسازی جنبه‌های درونی افعال انسانی که در متن مکتوب به صورت بیرونی عرضه می‌شود، کمک کنند. به منظور تشریح رابطه متن مکتوب تاریخ جنگ و عکس‌های جنگ، شاید استفاده از مثال جسم و روح مفید باشد؛ متن جسم تاریخ است و عکس در این کالبد روح می‌دمد. عکس‌ها به نحو مؤثری کمک می‌کنند تا نظم تمام عیار رخداد تاریخی جنگ از بطن ظاهر آشفته اطلاعات رویدادها و حوادث آشکار شود و تبلور پیدا کند. بنا به نظر کالینگود غایت علوم انسانی افزایش خودشناسی است. تاریخ یکی از شاخه‌های علوم انسانی است و در زمینه ایجاد معرفت شاید یکی از مهم‌ترین

مجموعه رعایت شده است. با توجه به بازه زمانی پژوهش حاضر که از آغاز جنگ (۱۳۵۹/۶/۲۱) تا فتح خرمشهر (۶۱/۳/۳) را دربرمی‌گیرد، ضروری بوده است که حدود ۲۰ ماه از تاریخ مذکور مورد تحلیل محتوا و استخراج مقولات قرار گیرد. نگارنده ترجیح داد که این بازه زمانی از آغاز شهریور ۱۳۵۹ تا پایان خرداد ۶۱ باشد. و به این ترتیب ۲۲ ماه یعنی ۲۲ جلد معادل ۱۷۰۳۹ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای به منزله جامعه آماری تاریخ مکتوب، معین و مشخص شد. با رعایت تمامی ملاحظات که پیش از این در خصوص مقولات تصویری تشریح شد، مقولات متنی شناسایی، استخراج و طبقه‌بندی گردید که ساختار نظام طبقه‌بندی آن به همراه آمار مستخرج از ۱۷۰۳۹ صفحه در نمودار ۲ قابل مشاهده است.

نکته نهایی اینکه شناسایی و طبقه‌بندی مقولات به معنی نسبت دادن عناوینی توصیفی یا مقوله‌ها به تصاویر یا جستجوی آنها در متن مکتوب است؛ مقوله‌هایی کاملاً عینی که چیزی را توصیف کنند که واقعاً تصویر وجود دارد یا در متن قابل جستجو و در نهایت استنباط‌پذیر است. همین جاست که می‌توان با تفسیری کردن مقولات درهای تحلیل محتوا و تحلیل کیفی را به روی هم گشود.

جدول ۴. تحلیل محتوای تجمیعی «مجموعه عکس‌ها به تفکیک شاخص‌های تعیین‌شده. منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۱-۱۲، ۱۳۶۱-بی‌تا)

تصاویر و متون تبلیغی		قدرت تجهیزات نظامی		رخدادها و وضعیت‌ها												کد عکس	ردیف جزء	ردیف کل							
متن		تصویر		پشت جبهه						جبهه															
معموم تبیینی	آیه، قرآن، حدیث	شعار	سخنان رهبر	سبیلک و تیغ‌بندی	فیگوراتیو و واقعه‌نگار			ایرانی	ملبور و آموزش نظامی	اعزام یزد	کمک‌های مردمی	تظاهرات	ترجمیم با گورستان یا تشییع جنازه	دیدار با رهبر	آوارگی	بهبازان و موشک‌بازان	ویرانی	اسارت، تلفات و شایعات دشمن	جنگ شهری	برنده ریزی عملیات	درگیری در خط مقدم				
					مردم	رزمنده‌گان	شهید															پیشوایان مردم			
							۱															۷۱ (۱)	۱	۱	
																							۷۱ (۲)	۲	۲
																۱	۱						۷۱ (۳)	۳	۳
			...	...										...									...	...	...
								۱															۷۱۲ (۵۶)	۵۶	۶۶۵
																							۷۱۲ (۵۷)	۵۷	۶۶۶
																							۷۱۲ (۵۸)	۵۸	۶۶۷
۷	۲۷	۳۳	۱۶	۱۲	۱	۳	۱۶	۴۴	۱۲	۲۰	۱۷	۱۹	۴	۱۵	۳۹	۶	۴۷	۱۰۱	۱۰۱	۷۰	۱۰۵	۲	۷۵	تعداد تکرار هر مقوله در کل	



عکس (۲) ۷۱. بمباران حیاط گمرک خرمشهر توسط نیروهای عراقی، رسول ملا قلی پور. منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۱، ۱۳۶۱)



عکس (۱) ۷۱. تظاهرات گسترده در تهران، سعید صادقی. منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۱، ۱۳۶۱)



عکس (۵۶) ۷۱۲. اسلام آباد غرب، حومه شهر/ ۱ مهر ۱۳۵۹، عکس از آلبوم اکبر کریمی. منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، دلاوران، ج. ۱۲، بی تا)



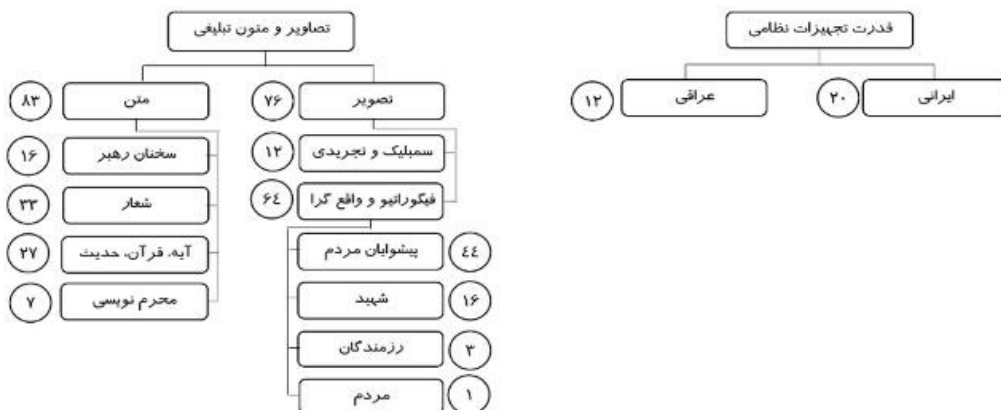
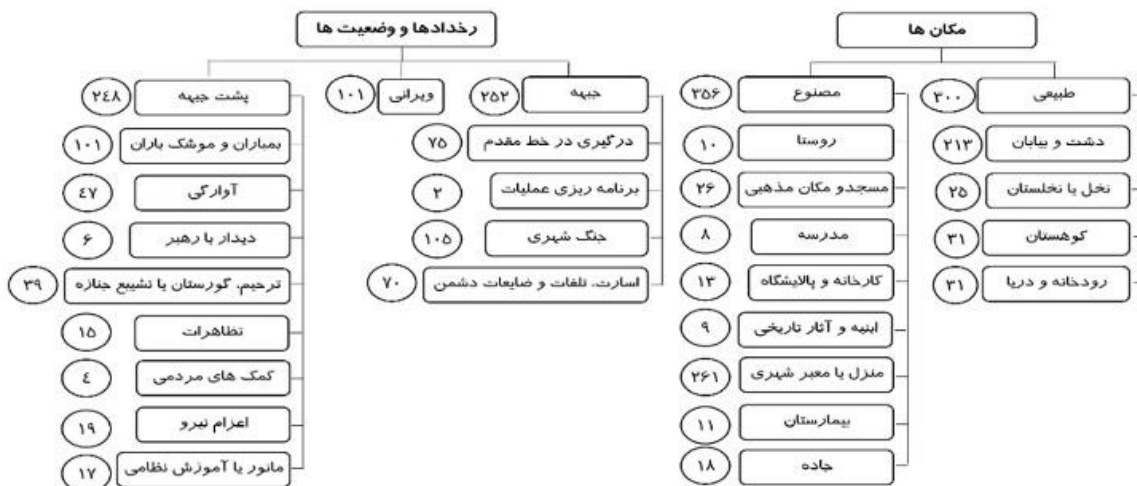
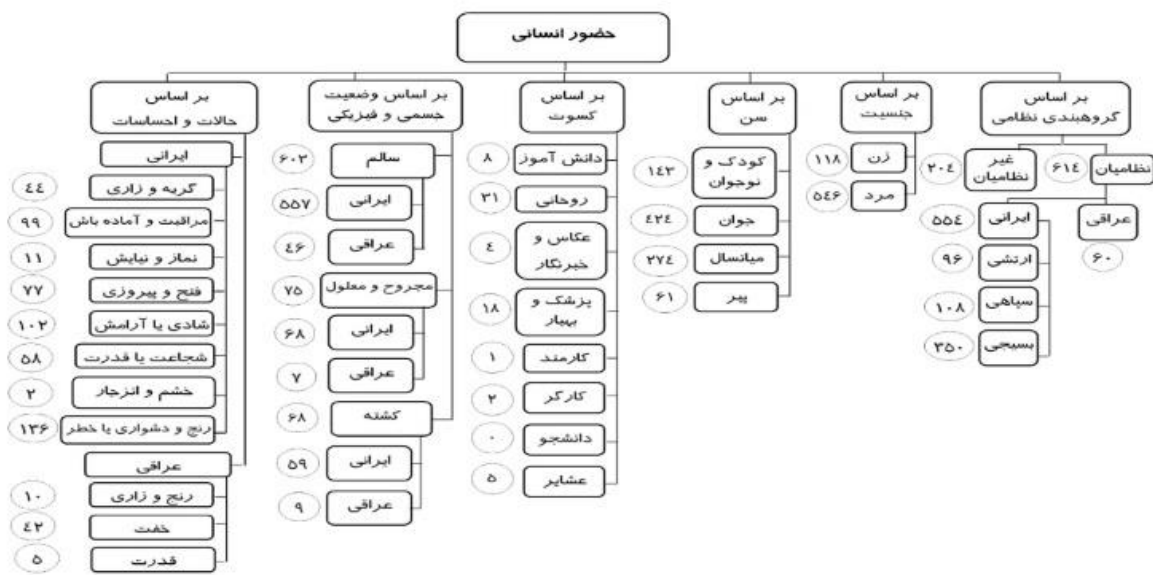
عکس (۳) ۷۱. مناطق مسکونی آبادان توسط نیروهای عراقی، کاوه گلستان. منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۱، ۱۳۶۱)



عکس (۵۸) ۷۱۲. امدادگران درمانگاه شهید نجمی، مریم کاظم زاده. منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، دلاوران، ج. ۱۲، بی تا)



عکس (۵۶) ۷۱۲. پاوه، نودشه، ارتفاعات کله چنار، فروردین ۱۳۶۰، عکس از آلبوم علی رضا حیدری. منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، دلاوران، ج. ۱۲، بی تا)



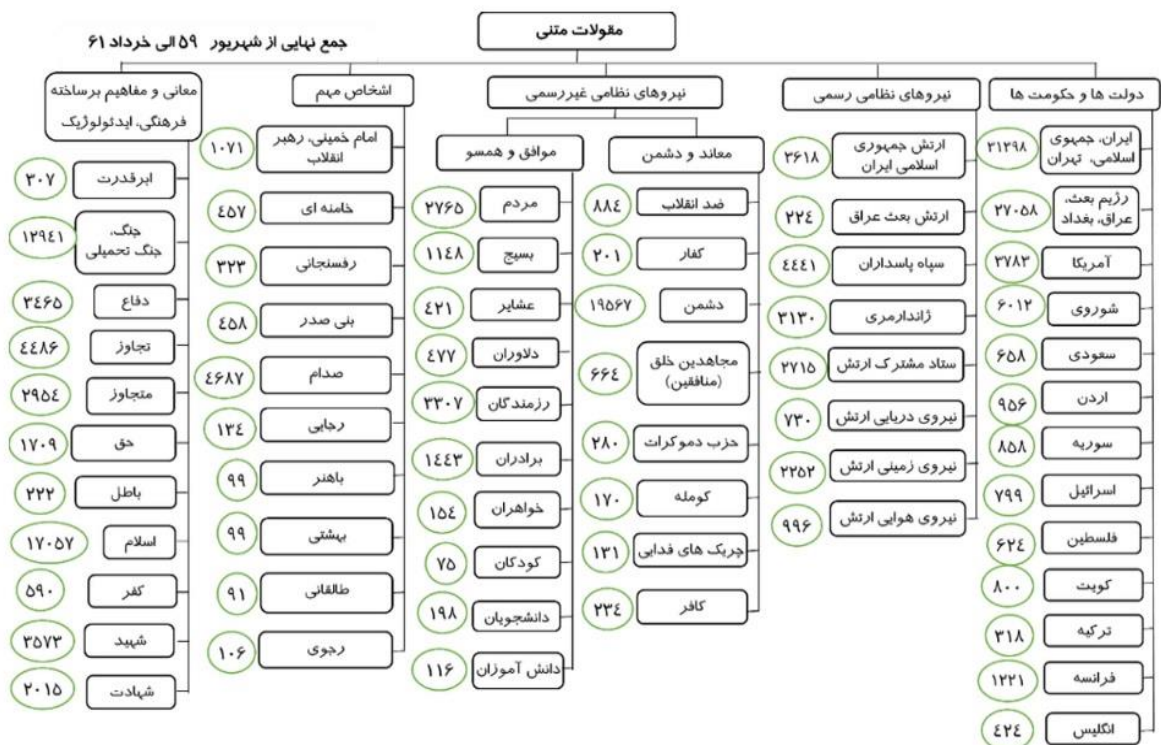


به عبارت دیگر متن و کلمه زمینه مساعدتری برای ترویج مفاهیم ارزشمدارانه مورد نظر حاکمیت بوده است (تصویر ۵-۱۹).

بر مبنای آراء کالینگوود در شناخت روح زمانه و بازسازی و کنشگری دوباره تاریخ به جرأت می‌توان گفت که مهم‌ترین عامل معنادار برای دفاع در برابر تجاوز دشمن، ایجاد و تبیین و تبلیغ حلقه اتصال بین رخداد جنگ تحمیلی با واقعه کربلا و قیام امام سوم شیعیان بوده است. از این روست که مقولات متعدد مذهبی و ارزشی بر پایه فرهنگ شهادت، کربلا، ایثار، امت واحده و سایر معانی مرتبط با اندیشه اسلامی، شیعی و حسینی نه تنها در متن که در

شاخه‌هاست. در مقایسه بین تاریخ مکتوب و عکس جنگ، سهم عکس‌ها در تولید معرفت خودشناسانه برای مخاطب به مراتب بیشتر از متن مکتوب است. از سوی دیگر کثرت به کارگیری مفاهیم ارزش‌محور در متن مکتوب و تنوع آنها به دلیل پشتوانه کلامی در بیان مفاهیم ذهنی، فلسفی، اخلاقی و دینی به مراتب بیشتر از عکس‌هاست.

اگرچه رویکرد کلی متن و عکس جنگ در نمونه‌های مورد مطالعه ارزش‌مداری است، اما اشارات صریح به مفاهیم بر ساخته فرهنگی و ایدئولوژیک در متن هم بیشتر است و هم تنوع دارد؛



نمودار ۲. جمع‌بندی آمار ۲۲ ماه مقولات متنی.



۵. ۱. منطقه دالهری، ۲۹ اسفند ۱۳۶۰، حسین ارکدستانی. منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۱۰، بی‌تا)



۵. ۲. قربانی جنگ، محمود کلاری. منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۱، ۱۳۶۱)



... که از تعداد اشارات می‌توان حتی به میزان اهمیت‌شان پی‌برد؛ مقولاتی که توسط عکس‌ها قابل شناسایی و بازیابی نیستند. از همین دست، به روایت متن مکتوب، حضور سایر کشورها به‌ویژه ابرقدرت‌ها در زمان جنگ بوده است. علاوه بر اشاره‌های آشکار به تأثیرگذاری کشورهای قدرتمند در جریان تحولات جنگ تحمیلی بر اساس نتایج تحلیل محتوای تقویم تاریخ دفاع مقدس، نقش تلویحی و پشت پرده آنها در بروز جنگ به خوبی در متن مکتوب مشاهده می‌شود. این مهم به هیچ رو با مطالعه عکس‌های جنگ تحمیلی اساساً قابل ردیابی و شناسایی نیست. اما از سوی دیگر به‌رغم متن مکتوب، موضوع تمایز سنی افراد درگیر در جنگ، قابل شناسایی و آمارگیری است اما این موضوع در متن مکتوب قابل ردیابی نیست، زیرا اساساً اطلاعاتی درباره سن و سال افراد حاضر و درگیر در جنگ، در متن مکتوب وجود ندارد (عکس‌های ۵-۲۶ و ۵-۲۷).

آخرین حوزه‌ای که متن مکتوب توانایی‌های ویژه خویش را در آن به اثبات می‌رساند، حوزه مقولات برساخته ایدئولوژیک و فرهنگی است که اساساً بر پایه کلمات شکل می‌گیرند زیرا از مقولات نامتعین ذهنی، اخلاقی، فلسفی، مذهبی منشا می‌گیرند که مطلقاً امکان طرح و توضیح و ترجمه به زبان عکس برای آنها میسر نیست و اگر هم باشد از ساحت نامتعین و چند بُعدی به ساحت تک‌بُعدی متعین تغییر جایگاه می‌دهند و یا به صورتی نمایه‌ای (In-dexical) و یا شمایی (Iconic) درمی‌آیند (عکس ۵-۵۳).

باید گفت که نه تاریخ جنگ تحمیلی عراق بر ایران و نه هیچ تاریخ جنگ دیگری را نمی‌توان با اتکا به عکس‌های به‌جای مانده از آن ساخت. عکس‌ها در ارائه اطلاعات و جزئیاتی که تاریخ‌نگار نیاز دارد به وسیله آنها تاریخ را بنویسد، بسیار ناتوانند. اگر تاریخ‌نگار بخواهد صرفاً با عکس‌های به‌جای مانده از یک رخداد، تاریخ تدوین کند، باید از تخیل و یا حتی توهم خویش بسیار استفاده کند. این در حالی است که اسناد و روایات مکتوب تا حد قابل قبولی برای شکل‌دادن به چشم‌اندازی قابل قبول از رخداد، موفق عمل می‌کنند. در کنار مجموعه اسناد مکتوب درباره یک رخداد تاریخی، عکس می‌تواند حکم مهر تأیید را داشته باشد که در صورت داشتن اطلاعات لازم یا اسناد را تصدیق و تنفیذ کند و یا از اعتبار ساقط کند. در کنار انبوه اسناد و متون مکتوب درباره یک رخداد، مخاطب تصدیق عکس را ملاک قرار می‌دهد زیرا عینیت دارد و نقش شمایی آن مبرهن است.

اگر بنا به تعبیر کالینگوود سردمداران و حاکمان و سیاستگذاران دو کشور ایران و عراق را در حکم کنشگران عرصه تاریخ محسوب کنیم، متن مکتوب بیشتر عرصه بروز اقدامات ایشان و عکس‌ها حوزه ظهور کنش‌پذیران از اقدامات ایشان است که البته عمدتاً توده مردم و رزمندگان ایرانی هستند. ترکیب متن و عکس امکان

عکس نیز تبلور می‌یابد. این خاصیت تبلیغی در متن مکتوب وجود ندارد. عکس‌های جنگ تحمیلی واجد عناصر بسیاری در تحریک و برانگیزش مخاطب در جانبداری از جنگ و ترغیب برای مشارکت در آن هستند (عکس ۵-۲۰).

یکی از مهم‌ترین امتیازات تاریخ مکتوب، خصوصیت گاه‌شمارانه آن است که معمولاً عکس‌ها به این منظور تهیه نمی‌شوند و حتی اگر تهیه شوند در ارایه جزئیات متأثر از گذر زمان بر امور، اشیاء، انسان‌ها و مکان‌ها ناتوانند. در مطالعه تاریخ مکتوب هرگاه اقتضا کند، می‌توان به سراغ برهه زمانی خاص یا یک رویداد ویژه رفت و اطلاعات لازم را در آن باره کسب کرد. در حالیکه حتی اگر تجمیع کار عکاسان مختلف بر اساس ترتیب تقدم و تأخر زمانی تنظیم شده باشد- کمابینه کمابیش مجلدات اول، دوم و سوم جنگ تحمیلی بر همین اساس شکل گرفته است- مشاهده عکس‌ها نمی‌تواند چشم اندازی از زنجیره تحولات و علت‌ها و معلول‌ها در اختیار بیننده بگذارد.

تاریخ مکتوب جنگ تحمیلی به مدد کلمات و زبان روایت می‌شود، در حالیکه ابزار عکس، تصویر است و تصاویر قادر به ارائه جزئیات رویدادها نیستند. متن مکتوب تاریخ جنگ از دایره لغات مانوسی بهره می‌برد که تقریباً برای همه مخاطبان زبان مرجع تفاهم‌برانگیز است و نیاز به تعبیر و تفسیر و تأویل و حدس و گمان ندارد. در مورد اکثر عکس‌های جنگ تحمیلی اگر توضیحات زیرنویس همراه نباشد، نه مکان، نه رخداد و نه ویژگی‌های افراد قابل تشخیص است (عکس‌های ۵-۳۹ و ۵-۴۳).

منطقی است که در متن مکتوب اشارات به نیروهای ارتش به دلیل بعد کلاسیک جنگ تحمیلی و ضرورت حضور نیروهای آموزش دیده زمینی، هوایی و دریایی ارتش به مراتب بیش از بسیج و سپاه باشد. اما چرا در عکس‌ها چنین نیست، دو دلیل برای آن قابل طرح است؛ یکی اینکه به دلایل امنیتی به استثنای عکاسان نظامی، سایر عکاسان ایرانی و خارجی که وظیفه تغذیه رسانه‌ها را به عهده داشتند، به عکاسی از عملیات و اقدامات و تجهیزات ارتش مجاز نبودند. از سوی دیگر آنچه ضرورت داشت، همانطور که پیش از این بیان شد، تهییج و ترغیب مردم برای حضور در جبهه و تامین نیروی انسانی و رزمنده برای دفاع زمینی بود که این هدف در زمان جنگ با انتشار عکس‌ها و تصاویر جنگ در مطبوعات، رادیو و تلویزیون محقق می‌شد؛ پس ضرورت داشت که بیش از نیروهای رسمی و ارتشی، تصاویر نیروهای مردمی یعنی سپاه و بسیج منتشر شود (عکس ۵-۴۹).

یکی از دستاوردهای تحلیل محتوای متن، تشخیص جریان‌های معاند متعین داخلی درگیر با حکومت است که با وضوح و با اشارات صریح از آنها نام برده شده است (کومله، دموکرات، مجاهدین و



محتوای آن را فراهم می‌کند و در این مقاله کوشش شده است تا حد ممکن محقق شود.

دستیابی، بررسی و تحلیل افکار و افعال کنشگران و کنش‌پذیران جنگ تحمیلی و نهایتاً «تبیین» تاریخ تحلیلی عکاسی جنگ و تحلیل



۲۰-۵. تشییع جنازه کودکان خردسال در شهر همدان، محمد فرنود. منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۲، ۱۳۶۱)



۳۹-۵. رود کارون، مهرداد ارشدی. منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۸، ۱۳۸۷)



۴۹-۵. منطقه عملیاتی بیت المقدس، داریوش گودرزی کیا. منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۸، ۱۳۸۷)

چکیده: رخدادهای آفرامه، ۱۳۶۰ || ۷۴۹

و تاریخ کشور، این فداکاری‌ها و جوانمردی‌های دلیرمردان نظامی و انتظامی و مردمی را فراموش نمی‌کند و افتخار بزرگ فرماندهان و سربازان و پاسداران و نگهبانان کشور حضرت مهدی (ارواحنا لمقدمه‌الفداء) در تارک ایران ثبت است؛ چنانکه ننگ و عار و ذلت و رذالت برای امریکاییان داخل و خارج- که برای خدمت‌گزاری به ایرجنایتکار جهان به روی اسلام و مسلمانان آتش می‌گشایند- ثبت خواهد شد. بگذار تا تنه‌کاران بین‌المللی و بوق‌های مزدور جناح‌های جنایتکار، این پیروزی‌های عظیم را به حساب نیاورند و با تبلیغات انحرافی بر ننگ صدامیان امریکایی پرده‌پوشی کنند. این جانب به پیروی از ملت عظیم‌الشان ایران، این پیروزی بزرگ را به رزمندگان و فرماندهان محور غرب و سرپل ذهاب تبریک عرض نموده و از خداوند متعال پیروزی نهایی اسلام را بر کفر جهانی خواستارم. سلام و درود بر همه‌ی رزمندگان در تمام جبهه‌ها و آفرین بر رزمندگان محور غرب و سرپل ذهاب.

والسلام علی عبادالله‌الصالحین»

- سرتیپ قاسم‌علی ظهیرنژاد (رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران) در یک مصاحبه‌ی رادیو و تلویزیونی درباره‌ی ادعای واهی یک سخن‌گوی رژیم صدام در مورد کشتن اسرای عراقی به‌وسیله‌ی ایرانیان، مطالبی بیان کرد و در رابطه با تاکتیک و عامل اصلی پیروزی‌های اخیر رزمندگان در جبهه‌های جنوب گفت: «این پیروزی‌ها، معلول یک سری علل است که این علل از یک سری اصول مسلم تاکتیک و تکنیک جنگ خارج نیست.» وی افزود: «در این پیروزی‌ها از یک طرف اصل غافل‌گیری، اصل تمرکز و ترکیب نیروها توجیه می‌شود و از طرف دیگر وجود اراده‌ی خلل‌ناپذیر و وجود ایمان و روحیه‌ی قوی، اعتقاد به اسلام و استقبال از شهادت در قبال پیاده‌کردن قوانین اسلام و آزادکردن وطن، بزرگترین عوامل پیروزی ما بوده است.» وی در قسمتی دیگر از سخنان خود با اشاره به بمباران مناطق مسکونی کشورمان به‌وسیله‌ی نیروهای متجاوز عراق گفت: «صدام باید به ملت عراق با توجه به شکست‌های اخیر جوابی بدهد و به طرقی آن‌ها را به‌طرف

۱۹-۵. نمونه صفحه از بخش سیاسی رویدادهای مورخ: ۱۳۶۰/۹/۲۱.

منبع: «تقویم تاریخ دفاع مقدس»، شکوه مقاومت، ۱۳۹۶



۴۳-۵. حیاط گمرک خرمشهر، رسول ملاقلی‌پور.

منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۱، ۱۳۶۱)



۵-۲۷. منطقه عملیاتی بیت المقدس، شلمچه، محمد فرنود. منبع:  
(جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۸، ۱۳۸۷)



۵-۲۶. رزمنده‌ی سال‌خورده، علی فریدونی.  
منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۱، ۱۳۶۱)



۵-۵۳. خرمشهر، خیابان شهدا، سعید صادقی. منبع: (جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۸، ۱۳۸۷)

جایی است که در تاریخ فلسفه محور و مینا قرار می‌گیرد و تأثیری آشکار بر جریان‌های فکری پس از خود می‌گذارد (نصیری، ۱۳۸۹: ۴۱).  
۳. معادل «تجمیعی» برای کلمه Summative پیشنهاد نگارنده است. در منابع موجود از «تجمعی» یا «تلخیصی» به همین منظور استفاده شده است.

### فهرست منابع فارسی

- اسمالوود، فیلیپ (۱۳۸۳)، ذهن خلاق حقیقی: اومانیسیم انتقادی کالینگوود، ترجمه بهار رهادوست، مجله زیباشناخت، شماره ۱۰، صص ۳۸۳-۴۰۲.  
الیاسی، سمیرا (۱۳۸۸)، تخیل پیشینی و معرفت تاریخی: کالینگوود و ایده تاریخ، فصلنامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، شماره ۴۱.  
برلین، آیزایا (۱۳۶۸)، چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.  
پورداراب، سعید و دیگران (۱۳۹۶)، تقویم تاریخ دفاع مقدس: شکوه مقاومت، حوادث و رویدادهای سال ۱۳۶۰، انتشارات پلک، ایران، تهران.  
بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس (۱۳۸۵- بی‌تا)، جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۷-۱۲.  
ستاد تبلیغات جنگ (۱۳۶۱-۱۳۶۸)، جنگ تحمیلی: دفاع در برابر تجاوز، ج. ۶-۱.  
صالحی، نصرالله (۱۳۸۰) تبیین تاریخی چیست؟ (مروری بر کتاب «فلسفه تاریخ،

### پی‌نوشت‌ها

۱. کانت عقیده دارد: با استفاده از قوه تخیل می‌توانیم حداقل در تفکرمان آن‌چه را طبیعت به ما می‌بخشد بگیریم و آن را به طبیعت دیگری مبدل سازیم. ما در حکم موجودات طبیعی فیزیکی مقید به قوانین طبیعت و در حکم فاعل‌های اخلاقی مقید به قانون عقل عملی هستیم؛ ولی در حکم موجودات دارای قوه تخیل به آنها هیچ یک از مقید نیستیم بنابراین قدرت خلاقه داریم (Kneller, 2007: 52).
۲. مسأله‌ی شناخت که همواره دغدغه‌ی اصلی کانت به شمار می‌رفت، او را بر آن داشت تا با الهام از انقلاب کپرنیک در عالم نجوم، جایگاه ذهن و عین را در منظومه‌ی معرفت‌شناسی خویش، تغییر دهد و با قول به محوریت ذهن، انقلابی در فلسفه پدید آورد. او با تشخیص گزاره‌های جدیدی به نام گزاره‌های ترکیبی پیشینی، که هم حاکی از عالم خارج و هم دارای کلیت و ضرورت‌اند، به بررسی و تبیین ممکن‌بودن شناخت در حوزه‌های ریاضیات محض، طبیعیات محض و مابعدالطبیعه پرداخت و به این ترتیب کوشید مشکلات ناشی از عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی را مرتفع سازد. در واقع کانت با قائل‌شدن به همکاری حس و فاهمه در نظام معرفت‌شناسی خویش، کوشید تا خود را از جزمیت موجود در عقل‌گرایی و شکاکیت برخاسته از تجربه‌گرایی برکنار دارد و راهی میانه در پیش گیرد. وجود عناصر پیشینی در شناخت، محور و مبنای فلسفه‌ی استعلایی کانت و انقلاب کپرنیکی او می‌شود. اهمیت انقلاب کپرنیکی کانت، تا



Mandelbaum, Maurice (1938), *The Problem of Historical Knowledge*, John Hopkins University Press.

Gardiner, Patrick (1952), *The Nature of Historical Explanation*, Oxford: Oxford Univ. Press, pp. 28-31.

Kneller, Jane (2007) *Kant and The Power of Imagination*, London: Cambridge.

Islamic Republic of Iran, Supreme Defence Council. War In Information Headquarters (Author). (1983). *The Imposed War: Defence Vs. Aggression*, War Information Headquarters, Supreme Defence Council of the Islamic Republic of Iran (Publisher).

Walsh, W. H. (1964), *An Introduction to the Philosophy of History*, Hutchinson, London, pp. 44-48.

Warrington, Marnie Hughes, (2014), *Fifty Thinker on History*, Routledge, London and New York, pp. 34-40.

White, H. (1989) *Collingwood and Toynbee: Transitions in English Historical Work*, Macmillan, London.

روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری)، مجله کتاب ماه و تاریخ و جغرافیا، شماره ۴۸، مهر ۱۳۸۰، صص ۳-۱۷.

کالینگوود، ر. ج. (۱۳۸۵)، *مفهوم کلی تاریخ*، ترجمه علی‌اکبر مهدیان، تهران: نشر اختران.

کریپندورف، کلوس (۱۳۹۴)، *تحلیل محتوا، مبانی روش‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.

نصیری، لیلیا (۱۳۸۹)، *انقلاب کپرنیکی کانت، نشریه پژوهش‌های فلسفی*، شماره ۱۸، صص ۴۱-۶۷.

#### فهرست منابع لاتین

Collingwood, R. G. (1928), *The Limits of Historical Knowledge*, journal of Philosophical Studies, Vol.3, No.10, pp. 213-222.

Collingwood, R. G. (1938), *The Principles of Art*, Oxford: Oxford Univ. Press.

Collingwood, R. G. (1946), *The Idea of History*, Oxford: Oxford Univ. Press.





## A Comparative Study of Photo and Written History of the Iraq War Imposed on Iran (Between 1980-1982)

**Farshad Asgarikia<sup>1</sup>, Seyed Saeed Seyed Ahmadi Zavieh<sup>2</sup>, Mohammad Khodadadi MotarjemZadeh<sup>3</sup>**

<sup>1</sup>Assistant Professor, Faculty of Art, Department of Cinema, Soore University, Tehran, Iran.

<sup>2</sup>Associate Professor, Faculty of Theories and Art Studies, Department of Art Studies, University of Art, Tehran, Iran.

<sup>3</sup>Associate Professor, Faculty of visual arts, Department of Photography, University of Art, Tehran, Iran.

(Received: 5 July 2020, Accepted: 10 Aug 2020)

The photographic works of the Iran-Iraq war during a period of thirty years from 1980 to 2010 have been published in the form of 80 books in Iran, and a review of the titles of these books shows that all of them include a collection of works based on a period or works of a photographer or a subject have been formed. What has not been addressed in the meantime and has received less attention with caution is the analysis, evaluation and review of the works of war photographers as visual documents of the historical event and the explanation of the visual narrative of this event which has been focused in this research. The reason for choosing the period 1980-82 in this article, is clear for the beginning of the period and refers to the date of the beginning of the war. The professional, spiritual and emotional conflict of the photographers with the event that affected all aspects of people's lives, after two years from the beginning of the war, reaches an important historical climax, and that is the conquest of Khorramshahr. Until this date, which is the third of June 1982, the best works of photographers are formed at the peak of spiritual and professional interaction with a historical event. Then, just as a historical event enters a long period of erosion, war photography changes from an ideal and motivational activity to a repetitive task, and in fact neither an important photographer nor an important current emerges in War photography takes shape. The main purpose of this article is to compare the content of photographs of the Iran-Iraq war between 1980-82 as visual documents with written documents from the same events that have been published in the form of the calendar of the history of the holy defense. The theoretical approach of insight in this study is based on the analytic history view of

Robin George Collingwood and the method of analyzing content that has qualitative and quantitative qualities combined in summative content analysis. The period of research from the beginning of the war to the conquest of Khorramshahr is about 22 months, and 667 photographs have been selected from the series of "imposed war" volumes. In the written history section, the collection of "Holy Defense History Calendar" series was reviewed by the Army Armed Forces Holy Defense Research Center in the form of a 17039 reference page. After identifying and extracting visual and textual categories, the illustrated history and the written history of the war are compared. The results of this research show that both the photographs contain some concepts and messages independent of the written text, as well as some information that the written text does not exist in the photographs and cannot be presented in the picture. Generally, imposed war photographs are mainly the domain of determined concepts and the revealing of emotions and internalities, and the written text in most cases uses the ability to process historical information and design undetermined concepts.

### Keywords

Photography, History, Imposed War, CollingWood  
doctoral dissertation

<sup>\*</sup>This article is extracted from the first author's doctoral dissertation, entitled "A comparative Study of photo and Written history of the Iraq war imposed on Iran (between 1980-1982)" under supervision of the second author and the guidance of the third author in University of Art.

<sup>\*</sup>Corresponding Author: Tel: (+98-912) 6490705, Email: asgarikia@soore.ac.ir